

مقایسه تحلیلی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران

غلامرضا حاجبی^۱؛ عبدالرضا حاجبی^۲



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده:

هدف: بررسی نقش اندیشه حکمرانی علوی (با تأکید بر امامت، عدالت، مشارکت مردمی) در انقلاب اسلامی ایران.

روش: آمیزه‌ای (تلفیقی)، با استفاده از اسناد، سامانه‌های رایانه‌ای و روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی. یافته‌ها: اندیشه علوی در ابعاد مختلف انقلاب اسلامی، از جمله استقامت، عدم تسلیم به دشمن، بصیرت و ساده‌زیستی، تأثیرگذار بوده است. آموزه‌های امام علی (ع) به عنوان الگویی الهام‌بخش برای رهبران و مردم در دوران انقلاب و پس از آن عمل کرده است.

یافته: اندیشه حکمرانی علوی، به عنوان مبنای اساسی نظام اسلامی، در شکل‌گیری، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی ایفا کرده است. اندیشه حکمرانی علوی، با تأکید بر اصولی چون امامت، عدالت اجتماعی و مشارکت مردمی، نقش بسزایی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران ایفا نموده است. این اصول، به عنوان مبنای اساسی نظام اسلامی، در ساختار حکومتی، سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی، و روابط اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و اجرا قرار گرفته‌اند. آموزه‌های امام علی (ع) در خصوص استقامت، صبر، بصیرت، عدالت و ساده‌زیستی، به عنوان الگوهای الهام‌بخش برای کارگزاران و مردم در انقلاب اسلامی ایران عمل کرده و در تداوم راه انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

واژگان اصلی: اندیشه حکمرانی علوی، نظام اسلامی، عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی، انقلاب اسلامی ایران.

۱. مدرس سطوح عالی حوزه و دانشگاه

۲. دانشجوی دوره دکتری فرق تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم. (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک تحول بنیادین در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و جهان، نیازمند تحلیل‌های عمیق و چندوجهی است. در این راستا، اندیشه حکمرانی علوی به عنوان یکی از بسترهای فکری و ارزشی این انقلاب، جایگاه ویژه‌ای دارد. این مقاله با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی این پرسش می‌پردازد که اندیشه حکمرانی علوی چه نقشی در شکل‌گیری و هدایت انقلاب اسلامی ایران ایفا کرده و چه تأثیری بر ساختار و عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است. اهمیت و ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که اندیشه حکمرانی علوی، به عنوان یک مکتب فکری غنی و ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی-شیعی، نقش محوری در شکل‌دهی به هویت سیاسی و اجتماعی جامعه ایران ایفا نموده است. این اندیشه، با تأکید بر ارزش‌هایی چون عدالت، برابری، آزادی و مشارکت مردمی، به عنوان یک منبع الهام‌بخش برای انقلابیون و دگراندیشان در تاریخ معاصر ایران عمل کرده است. بررسی عمیق و علمی این تأثیرگذاری، می‌تواند به درک بهتر از مبانی ایدئولوژیک و اهداف غایی انقلاب اسلامی ایران کمک کند. علاوه بر این، شناخت دقیق از نقش اندیشه حکمرانی علوی در سیاست‌گذاری و تدوین قوانین پس از انقلاب، می‌تواند به بهبود عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف کمک کند. همچنین، این شناخت می‌تواند در تبیین و توجیه سیاست‌های بین‌المللی ایران در راستای ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و انسانی مؤثر باشد. از این رو، این تحقیق می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی و موثرتر در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تعالی جامعه ایرانی در عرصه‌های مختلف کمک نماید. اندیشه حکمرانی علوی، به عنوان یکی از مکتب‌های فکری و اندیشه‌های مذهبی در اسلام، تأثیر بسزایی بر انقلاب اسلامی ایران داشته است. این اندیشه، به واسطه ایده‌ها و ارزش‌هایی که از منابع اسلامی مطرح می‌شود، نقش مهمی در شکل‌گیری و پیوند با حرکت‌های اجتماعی و سیاسی داشته است.

یکی از اصول اساسی اندیشه حکمرانی علوی، مفهوم امامت است که به معنای رهبری الهی و ادامه‌پذیری پیامبر اسلام، به‌عنوان وصیت‌نامه او، در کنار مواضع اخلاقی و انسان‌مداری، در جامعه اسلامی اهمیت زیادی دارد. در ایران، این مفهوم امامت به عنوان محوریت اصلی انقلاب اسلامی و ایجاد یک نظام اسلامی در ساختار حکومتی تجسم یافت. همچنین، اندیشه حکمرانی علوی به تأکید بر عدالت اجتماعی و مساوات در جامعه توجه ویژه‌ای دارد. این اصل، نقش مهمی در مبارزه با ظلم

و فساد اقتصادی و اجتماعی در انقلاب اسلامی ایران داشته و همچنان به عنوان یکی از مبانی اساسی نظام اسلامی ایران مورد تأکید و اجرا قرار می‌گیرد.

به علاوه، اندیشه حکمرانی علوی به تأکید بر شوراویت و مشارکت مردم در مسائل عمومی، از جمله انتخابات و انتخاب نهادهای حکومتی، توجه ویژه دارد. این اصل، به عنوان اساسی‌ترین اصول دموکراسی اسلامی، در انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی نظام سیاسی مورد تأکید و اجرا قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری

یکی از مبانی اصلی اندیشه حکمرانی علوی، مفهوم امامت است که به عنوان رهبری الهی و استمرار رسالت پیامبر اسلام (ص)، در قالب یک نظام ولایی مبتنی بر اخلاق و انسان‌مداری، جایگاه ویژه‌ای در تفکر سیاسی شیعه دارد. در بستر انقلاب اسلامی ایران، این مفهوم به عنوان محور اصلی حرکت انقلابی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، عینیت یافت و در ساختار حکومتی تجسم پیدا کرد. همچنین، اندیشه حکمرانی علوی با تأکید ویژه بر عدالت اجتماعی و مساوات، نقشی محوری در مبارزه با بی‌عدالتی‌ها، فساد اقتصادی و تبعیض‌های اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی ایران ایفا نمود. این اصل، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی نظام ارزشی جمهوری اسلامی ایران، همواره مورد تأکید و در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور مدنظر قرار گرفته است. علاوه بر این، اندیشه حکمرانی علوی بر اصل شوراویت و مشارکت مردمی در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی، از طریق سازوکارهایی چون انتخابات و انتخاب نهادهای حکومتی، تأکید دارد. این اصل، به عنوان یکی از ارکان دموکراسی اسلامی، در فرآیند انقلاب اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت و به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نهادینه شد. درخصوص مقایسه تحلیلی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران مقالات جداگانه زیادی نوشته شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. «آزادی سیاسی انقلاب در اندیشه و سیره علوی» اثر گروهی از نویسندگان در مجله حصون، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۸ به چاپ رسید. در چکیده آمده: یکی این که بحث‌هایی نظیر آزادی، به ویژه آزادی سیاسی انقلاب در اسلام مسبوق به سابقه نبوده و نمی‌توان در اندیشه‌ها و متون اصیل اسلامی سراغی از آن‌ها گرفت؛ زیرا این بحث‌ها مقتضای دوران مدرنیته است که از دوره مشروطیت وارد فضا و ادبیات سیاسی ایران شده است. به این ترتیب در این نگاه نمی‌توان به متون و اندیشه‌های

اصیل اسلامی برای نوع آزادی سیاسی تمسک جست. بنابراین آزادی سیاسی انقلاب و مصادیق آن - مانند: حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان، آزادی انتخابات و رأی دادن، تشکیل اجتماعات و احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات و... - اقتضای زندگی سیاسی کنونی است و نمی توان سابقه ای برای آنها در گذشته پیدا کرد. آنچه در گذشته وجود داشته، بحث از آزادی معنوی، با تأکید بر جنبه های درونی فردی است و نه جنبه های برونی و اجتماعی که با آزادی سیاسی نسبتی می یابد.

۲. «حرکت انقلاب اسلامی در مسیر حاکمیت اندیشه های علوی است» نوشته گروهی از نویسندگان در پایگاه پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۴ به چاپ رسید. در چکیده آمده: در آیات و روایات همان گونه که به علل و عوامل ایجاد صبر توجه شده است به آسیب شناسی آن نیز پرداخته شده و علل و عواملی که مانع حرکت انقلاب اسلامی در شخص می شود را توضیح داده اند. در این جا تنها به یکی از مهم ترین این موانع اشاره و بسنده می شود؛ زیرا این مانع از موانع مهمی است که قرآن در چند آیه بدان اشاره می کند و حتی پیامبر (ص) را نسبت به آن هشدار می دهد. این مانع چیزی جز شتابزدگی نیست؛ زیرا عاملی بسیار مهم در راه تحقق حرکت انقلاب اسلامی است.

۳. "بررسی تطبیقی: انقلاب اسلامی و اهداف حکومت علوی (مطالعه موردی: مقاله محمد شیرازی)" مقاله حاضر با تمرکز بر مقاله "انقلاب و هدفهای کلی حکومت علوی" به قلم محمد شیرازی، که در پایگاه اینترنتی راسخون منتشر شده است، به بررسی تطبیقی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران می پردازد. این بررسی با توجه به مناقشات جاری در باب حکومت دینی و شبهاتی که در برخی محافل پیرامون ناسازگاری دین و حکومت مطرح می شود، انجام می گیرد. این مقاله با استناد به آموزه های امام علی (ع) در نهج البلاغه، به ضرورت و کارآمدی حکومت دینی در دوران معاصر و تاریخ بشر می پردازد. نوآوری و تمایز مقاله "مقایسه تحلیلی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران" مقاله "مقایسه تحلیلی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران" با رویکردی تحلیلی، به مقایسه تطبیقی مؤلفه های اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران می پردازد. این مقاله با تمرکز بر معیارهای خوشبختی، نیکی، سلامتی اخلاقی و معنوی در جامعه، با استناد به بیانات مقام معظم رهبری و تطبیق آن ها با آموزه های نهج البلاغه، به بررسی این مؤلفه ها می پردازد. نوآوری اصلی این مقاله در تمرکز بر این ابعاد و تطبیق آن ها با سخنان رهبری و نهج البلاغه است که در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴. "مقایسه تحلیلی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران در کلام رهبری"

در این قسمت به بررسی مقایسه تحلیلی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران از منظر رهبر انقلاب پرداخته شده است:

الف) استقامت و صبر در برابر مشکلات و عدم پشت کردن به دشمن توسط کارگزاران انقلاب اسلامی

از دیدگاه رهبر انقلاب، استقامت و صبر در مواجهه با چالش‌ها و عدم انصراف از مقابله با دشمن، از ارکان اصلی اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در این راستا، بر ضرورت شکیبایی و بردباری در برابر نامالایمات و تحمل سختی‌ها و محرومیت‌ها تاکید می‌شود. این رویکرد، امکان تبدیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی به فرصت‌ها و موفقیت‌ها را فراهم می‌سازد. بر این اساس، هرگونه شتاب‌زدگی و بی‌صبری، می‌تواند منجر به شکست و ناکامی گردد. حضرت علی علیه‌السلام در اهمیت صبر می‌فرماید:

«وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ؛ بَرِّ شَمَا بَادَ كَهَ بَرِّبَارِي رَا دَر هَر كَارِي
پیشه کنید که صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به تن آدمی.»

برای نمونه امام علی علیه‌السلام در ۲۵ سال صبر و سکوت پر معنای خویش، به عنوان یک شهروند مخالف، از خیرخواهی و مساعدت با خلفای سه‌گانه خودداری نکرد و برای گرفتن آنچه حق خود می‌دانست، مصالح بزرگ‌تر جامعه را که حفظ امنیت و وحدت بود، زیر پا نهاد. در ۵ سال حکومت پرماجرای خویش نیز در نقش حاکم الهی و منتخب مردم، با شخصیت‌های سیاسی مخالف و گروه‌های متتقد، مدارا کرد و آنان را به صرف مخالفت، از حق حیات و سهم بیت‌المال محروم نکرد.^۱ در قرآن آمده: فرمود: "وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند"^۲.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۸۲.

۲. آقا جانی، تساهل و تسامح از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، ص ۹۶.

۳. العصر: ۳.

«ذکر توأسی به حق و به صبر، بعد از ذکر اتصافشان به ایمان و عمل صالح برای این بوده که اشاره کند به حیات دل‌های مؤمنین، و پذیرا گشتن سینه‌هاشان برای تسلیم خدا شدن، پس مؤمنین اهتمامی خاص و اعتنایی تام به ظهور سلطنت حق و گسترده شدن آن بر همه مردم دارند، و می‌خواهند همه جا حق و صبر پیروی شود، و پیروی آن دائمی گردد»^۱.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «یکی از عوامل موکد این روحیه و این صبر در زینب کبری (سلام الله علیها) و در دیگر اولیاء‌اللهی که این جور حرکت کردند، صدق است؛ صادقانه با پیمان خدای متعال برخورد کردن، دل را صادقانه به راه خدا سپردن؛ این خیلی مهم است. در قرآن کریم این صدق را، هم برای انبیاء عظام الهی لازم می‌شمرد: «وَ اِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ اِبْرٰهٖمَ وَ مُوسٰی وَ عِيسٰی ابْنِ مَرْيَمَ وَ اَخَذْنَا مِنْهُم مِّثْقًا غَلِيظًا، لِيَسْئَلَ الصّٰدِقِيْنَ عَنْ صِدْقِهِمْ: به خاطر آورنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند! به این منظور که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند»^۲.

ای پیامبر ما از تو پیمان گرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پیمان گرفتیم از همه‌ی پیغمبران پیمان گرفتیم - و این پیمان، پیمان بسیار محکم و غلیظی است - در لیسَل، "لام" به تعبیر ما طلبه‌ها "لام" عاقبت است - و نتیجه‌ی این پیمان این است که این پیغمبران بزرگ مورد سؤال قرار میگیرند از صدقی که در قبال این پیمان نشان دادند و به‌خرج دادند؛ یعنی پیغمبر ما و پیغمبران بزرگ الهی باید در پیشگاه پروردگار عرضه کنند میزان صدقاتی را که در مقام اعمال این میثاق الهی به کار بردند؛ این مال پیغمبران؛ در مورد مردم معمولی و مؤمنین هم میفرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عٰهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضٰی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوْا تَبْدِيْلًا، لِيَجْزِيَ اللّٰهُ الصّٰدِقِيْنَ بِصِدْقِهِمْ وَ يُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِيْنَ اِنْ شَاءَ...» در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۶۱۲.

۲. الأحزاب: ۸۷.

در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید...^۱.

در مورد پیغمبران بزرگ، نقطه‌ی مقابل صادق را کافر قرار داد: «...وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا: و برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است»^۲ در مورد این مؤمنین، نقطه‌ی مقابل صادقین را منافقین قرار داد، که در اینها نکته‌هایی هست. از من و شما هم سؤال میکنند درباره‌ی وعده و عهدی که با خدا کردیم؛ ما با خدا معاهده داریم. حالا در این آیه‌ی شریفه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...»: در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند...^۳.

این عهدی که میگوید مؤمنین با خدا بسته‌اند و بعضی از مؤمنین به این عهد به‌نیکی وفا کردند و پای این عهدشان ثابت‌قدم ماندند، همان است که چند آیه قبل در همین سوره‌ی مبارکه می‌فرماید: که «و لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الْآدْبَارَ: (در حالی که) آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند»^۴؛ همه‌ی ما به این نکات باید توجه کنیم. با خدای متعال عهد کرده بودند که از مقابل دشمن فرار نکنند، به دشمن پشت نکنند. رها کردن مواضع و عقب‌نشینی منزهانه در مواجهه‌ی با دشمن، از جمله‌ی چیزهایی است که قرآن تأکید میکند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه‌ی زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود؛ و میشود و این ممکن است. در عرصه‌ی هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است»^۵.

۱. الأحزاب: ۲۳ و ۲۴.

۲. الأحزاب: ۸.

۳. الأحزاب: ۲۳.

۴. الأحزاب: ۱۵.

۵. خامنه‌ای، بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

مدیر و مسئول مشاغل کلیدی باید در برابر فشار کار و دشواری‌ها و فراز و نشیب‌های شغلی و تلخی‌ها و سختی‌های آن چون کوه استوار و با استقامت و دارای عزم و اراده پولادین باشد. حضرت علی(ع) در این مورد در نامه ۵۳ مالک اشتر فرموده اند:

«پس برای مشاغل کلیدی از سپاهیان و لشگریان خود کسی را انتخاب و مسئول بنما که در برابر دشواری‌ها و پیش آمدهای سخت و تلخ استوار باشد و مصیبت‌های بزرگ وی را از پا نشاناند. فردی باشد که هنگام ناتوانی و ضعف دیگران بر او ضعف و ناتوانی غالب نشود و بر اثر بی‌خیالی دیگران بی‌تفاوت نگردد»^۱.

پس یکی از ویژگی‌های بارز افراد موفق، صبر و بردباری می‌باشد. لذا مدیران و مسئولانی که می‌خواهند پیروز و موفق باشند باید به این صفت نیکو متصف شوند.

حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «انسان صبور، پیروزی را از دست نمی‌دهد هر چند زمان آن طولانی شود»^۲.

آن حضرت در خطبه ۱۹۰ خطاب به لشگریان چنین فرموده اند: «بر جای خود محکم بایستید و در برابر بلاها و مشکلات استقامت کنید»^۳.

رهبر معظم انقلاب در دیگر سخن صبر و توکل را؛ لازمه عمل مسئولان می‌داند و می‌فرماید: «لازمه‌ی عمل هم «صبر» و «توکل» است. شماها مسئولان کشور هستید در بخشهای مختلف؛ کارهای زیادی برعهده‌ی شما است؛ کارهای شما، هم کار دنیا است، هم کار آخرت؛ یعنی وقتی به انجام وظیفه‌ی خود می‌پردازید، هم دارید دنیا را آباد می‌کنید، زندگی را آباد می‌کنید، هم دارید باطن و درون خودتان را آباد می‌کنید. این عمل - که هم عمل دنیائی است، هم عمل اخروی است - احتیاج دارد به دو عنصر: صبر و توکل. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ. الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان! همانها که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت)

۱. قوچانی، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، ص ۱۳۶.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳.

۳. همان، نامه ۵۳.

کردند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.^۱ صبر یعنی پافشاری، پایداری، مقاومت، ایستادگی، هدف را فراموش نکردن. فرمود: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مَائَتِينَ: هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند»^۲ در میدان نبرد، در میدان رویارویی با دشمن، اگر صبر داشته باشید، می‌توانید با این نسبت بر دشمن غلبه پیدا کنید.

در نبردهای جهانی، پیکارها اغلب، نبرد اراده‌هاست. هر سو که اراده‌اش زودتر رخوت گیرد، طعم شکست را خواهد چشید. صبر، نگه‌داشتن همین عزم و اراده است، حفظ این نیروی درونی. توکل نیز، به معنای به انجام رساندن کار و سپردن نتیجه به دستان خداست. مبدا چنین پنداریم - که البته در فضای دینی امروز چنین گمانی روا نیست، اما در گذشته چنین تبلیغ می‌شد و توهمی این‌گونه شکل می‌گرفت - که توکل، نشستن و انتظار فرج است، نشستن تا خداوند گره بگشاید. نه! توکل یعنی دست به کار شدن و چشم داشتن به عنایت پروردگار، یعنی انتظار فرج از سوی او. پس در موضوع توکل، "کار" جزئی جدانشدنی است. زندگی دنیوی، آمیخته با رنج‌ها و سختی‌های فراوان است. اگر آدمی در برابر این دشواری‌ها، استوار و صبور بماند، بی‌گمان پیروز خواهد شد. اما اگر ناشکیبا باشد و در برابر حوادث، زانوی غم بغل گیرد، هرگز به آرمان و مقصود خود نخواهد رسید. صبر، همان پایداری در برابر مشکلات و رویدادهای گوناگون است و نقطه مقابل آن، بی‌تابی و از دست دادن مقاومت و تسلیم شدن در برابر سختی‌هاست. از دیدگاه رهبر انقلاب، استقامت و صبر در برابر مشکلات و عدم پشت کردن به دشمن، از ارکان اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی است. از دیگر پایه‌های اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران از منظر رهبر انقلاب، می‌توان به صبر شجاعانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و الگوگیری انقلاب اسلامی از آن حضرت اشاره کرد. رهبر انقلاب، درباره امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید که ایشان در مواقعی مجبور به صبر بودند: یکی از موانع تحقق آرزوهای بزرگ انقلاب، بی‌ارادگی و بی‌صبری است. باباجان! وقتی غذا را روی بار گذاشتید، نمی‌شود که همین که آتش زیر غذا را روشن کردید، بنا کنید پا به هم کوفتن که من غذا می‌خواهم! خوب باید صبر کنید تا بپزد. گاهی اوقات این‌جوری است؛ بعضی از فعالیت‌هایی

۱. العنکبوت: ۵۸ و ۵۹.

۲. لأنفال: ۶۵.

که برادرها و خواهرهای خوب انقلابی در جاهایی انجام می‌دهند، ناشی از صبور نبودن است؛ صبوری لازم است؛ صبر هم یکی از خصلت‌های انقلابی است. بله، خشم انقلابی داریم، اما صبر انقلابی هم داریم. مظهر اتم و اکمل عدالت، امیرالمؤمنین است دیگر، از او عادل‌تر که نداریم، اما امیرالمؤمنین هم یک جاهایی صبر کرد؛ تاریخ زندگی امیرالمؤمنین را می‌بینید دیگر «یک جا می‌گوید: «فَصَبَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدْ دُيِّ وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا...» پس صبر کردم در حالی که گویی در دیده‌ام خاشاک بود، و غصه راه گلویم را بسته بود می‌دیدم...»^۱.

یک جا هم در مقابل فشار خوارج و مانند اینها در جنگ صفین صبر میکند و به حکمیت تن میدهد.^۲ پس یک جاهایی صبر ضروری است، لازم است؛ یک جاهایی صبر، از روی ناچاری است، یک جاهایی هم نه، ناچاری نیست اما لازم است که انسان این صبر را انجام بدهد.^۳

امام علی علیه السلام درباره صبر ۲۵ ساله خود می‌فرماید:

«هان به خدا قسم ابو بکر پسر ابو قحافه جامه خلافت را پوشید در حالی که می‌دانست جایگاه من در خلافت چون محور سنگ آسیا به آسیاست، سیل دانش از وجودم همچون سیل سرازیر می‌شود، و مرغ اندیشه به قلعه منزلتم نمی‌رسد. اما از خلافت چشم پوشیدم، و روی از آن بر تافتم، و عمیقا اندیشه کردم که با دست بریده و بدون یاور بجنگم، یا آن عرصه گاه ظلمت کور را تحمل نمایم، فضایی که پیران در آن فرسوده، و کم سالان پیر، و مؤمن تا دیدار حق دچار مشقت می‌شود دیدم خویشنداری در این امر عاقلانه‌تر است، پس صبر کردم در حالی که گویی در دیده‌ام خاشاک بود، و غصه راه گلویم را بسته بود می‌دیدم که میراثم به غارت می‌رود. تا نوبت اولی سپری شد، و خلافت را پس از خود به پسر خطاب واگذار. سپس امام وضع خود را به شعر اعشی مثل زد: «چه تفاوت فاحشی است بین امروز من با این همه مشکلات، و روز حیّان برادر جابر که غرق خوشی است. شگفتا اولی با اینکه در زمان حیاتش می‌خواست حکومت را واگذارد، ولی برای بعد خود عقد خلافت را جهت دیگری بست. چه سخت هر کدام به یکی از دو پستان حکومت چسبیدند حکومت را به فضایی خشن کشانیده، و به کسی رسید که کلامش درشت، و همراهی با او دشوار و لغزشهایش

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. همان، خطبه ۱۲۵.

۳. خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷.

فراوان، و معذرت خواهیش زیاد بود. بودن با حکومت او کسی را می ماند که بر شتر چموش سوار است، که اگر مهارش را بکشد بینی اش زخم شود، و اگر رهایش کند خود و راکب را به هلاکت اندازد به خدا قسم امت در زمان او دچار اشتباه و نا آرامی، و تلون مزاج و انحراف از راه خدا شدند. آن مدت طولانی را نیز صبر کردم، و بار سنگین هر بلایی را به دوش کشیدم هنگامی که دوران او نیز به سر رسید، زمام حکومت را به شورایی سپردند که به گمانشان، من نیز (با آن منزلت والايم) یکی از اعضای آن بودم. خداوندا! چه شورایی! چه زمانی من در برتری و شایستگی نسبت به نفر اول آن شورا تردیدی داشتم که امروز هم سنگ این اعضا قرار گیرم؟ اما به خاطر احقاق حق، در نشیب و فراز شورا با آنان همراه شدم. در آن میان، یکی به سبب کینه اش به من رأی نداد و دیگری به خاطر پیوند با دامادش تمایل نشان داد؛ مسائلی که ذکرشان در این مقام، شایسته نیست. تا آن که سومی به مسند حکومت رسید، کسی که جز پر کردن شکم و لذت جویی، دغدغه ای نداشت. خاندان پدری او (بنی امیه) نیز همراهش شدند و چون شتری که با ولع، گیاه تازه بهار را می بلعد، به غارت بیت المال پرداختند. در نتیجه، رشته کارش از هم گسیخت و اعمالش او را به ورطه نیستی کشاند؛ شکمبارگی، سرنگونش ساخت. بیعت با امام (علیه السلام) در آن هنگام، چیزی مرا به وحشت نینداخت جز هجوم مردم همچون یال های کفتار که از هر سو بر سرم ریختند. به گونه ای که دو فرزندم در آن ازدحام، لگدمال شدند و ردایم از دو جانب پاره گشت. مردم چونان گله گوسفند، محاصره ام کردند.

اما همین که به امر خلافت اقدام نمودم، گروهی پیمان شکستند و عده ای از مدار دین خارج شدند و دسته ای دیگر سر به طغیان نهادند. گویی این سه طایفه، این سخن خدا را نشنیده بودند که می فرماید: «این سرای آخرت را برای کسانی قرار دهیم که خواهان برتری و فساد در زمین نیستند و عاقبت خوش، از پرهیزگاران است.» چرا! به خدا قسم شنیده بودند و آن را از حفظ داشتند، اما زرق و برق دنیا، چشمشان را پر کرد و زیور و زیتش، آنان را فریفت. هان! به خدایی که دانه را شکافت و انسان را به وجود آورد، اگر حضور این جمعیت انبوه و اتمام حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می انداختم و پایان خلافت را با پیمان

خالی اولش سیراب می‌کردم. آن وقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از آب بینی بز، کمتر است...»^۱.

وی در خطبه ۱۲۵ از سخنان آن حضرت است در رابطه با خوارج وقتی که حکمیت را انکار کردند، در این کلام اصحاب خود را نسبت به حکمیت سرزنش می‌نماید. فرمود:

«ما مردمان را حکم قرار ندادیم، قرآن را حکم کردیم، و این قرآن خطی است نوشته شده میان دو جلد که با زبان حرف نمی‌زند، او را مترجمی لازم است، و از جانب او مردان سخن می‌گویند. زمانی که این مردم ما را به حکمیت قرآن دعوت کردند ما قومی نبودیم که از قرآن رو بگردانیم، در حالی که خداوند سبحان فرموده: «اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و رسولش برگردانید». برگرداندن اختلاف به خداوند این است که کتابش را حاکم قرار دهیم، و ارجاع دادن اختلاف به پیامبرش این است که سنتش را اخذ کنیم. پس اگر از روی صدق در کتاب خدا حکم شود ما به آن حکم از همه مردم سزاوارتریم، و اگر به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله حکم شود ما از همه مردم به آن اولی‌تریم. اما گفتار شما که چرا میان خود و آنان در حکمیت مدت قرار دادی برای این بود که جاهل حق را نزد خودش روشن کند، و دانا در عقیده‌اش تحقیق بیشتر کند، و شاید خداوند در این مدت آرامش کار این امت را اصلاح کند، و در مضیقه نباشند تا پیش از شناخت حق شتاب کرده و به نخستین گمراهی گردن نهند. قطعاً برترین مردم نزد خداوند کسی است که عمل به حق پیش او اگر چه از نتیجه آن نقصان و سختی بیند محبوبتر از باطل باشد اگر چه باطل به او نفع رساند و مقام او را بالاتر گرداند. سرگردانی شما از کدام ناحیه است این فتنه از کجا به شما رسید مهیا برای رفتن به سوی مردمی شوید که در شناخت حق سرگردان و از دیدن آن کورند، و به ستم تشویق شده آن را به عدل و انصاف بدل نمی‌کنند، از فهم قرآن دور، و از راه راست منحرفند. شما طرف اعتماد نیستید که بتوان به شما اعتماد کرد، و نه یاران توانمندی که بتوان به شما متکی شد. برای افروختن آتش جنگ بد آتش افروزانی هستید اف بر شما که از شما بس اذیت و بلا دیدم روزی شما را برای یاری ندا می‌کنم، و روزی دیگر با شما (بر سر تقصیرتان) نجوا می‌کنم، نه در وقت ندا آزاد مردان صادقی هستید، و نه در موقع نجوا راز داران مورد اطمینانی می‌باشید»^۲.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. همان، خطبه ۱۲۵.

به رغم مشکل بودن صبر و تحمل در برابر نامالایمات، در تمام دوره های تاریخ به انسان های بسیار شکبیا و با استقامتی برمی خوریم که حوادث تلخ بزرگ هم اراده شان را متزلزل نساخته است. امام علی(ع) طبق فرمایشات خود و بیانات رهبر انقلاب طی ۲۵ سال و در طول خلافت در همه عرصه ها اعم از سیاسی یا فرهنگی و... صبر پیشه می کرد.

ج) بصیرت و صبر دو عامل پیروزی انقلاب اسلامی

در مقام تبیین حل اختلافات و منازعات، ارجاع اختلافات به خداوند متعال، مترادف است با حاکم قرار دادن کتاب الهی (قرآن) به عنوان منبع اصلی داوری. به همین ترتیب، ارجاع اختلافات به پیامبر (ص) معادل است با اتخاذ سنت نبوی به عنوان راهنمای عمل و فصل الخطاب در منازعات. اگر بر مبنای صداقت، حکمی از کتاب خدا استخراج شود، ما (اهل بیت) به اجرای آن حکم از سایرین شایسته تریم. همچنین، اگر بر اساس سنت رسول خدا (ص) حکمی صادر شود، ما در تبعیت از آن بر دیگران اولویت داریم. در پاسخ به این پرسش که چرا در فرآیند حکمیت، بازه زمانی مشخصی تعیین گردید، باید گفت این اقدام با هدف روشن شدن حقیقت برای افراد ناآگاه و تعمیق باورهای افراد آگاه صورت پذیرفت. امید است که خداوند متعال در این بازه زمانی، موجبات اصلاح امور امت را فراهم آورد و از بروز تنگناها جلوگیری نماید. هدف آن است که امت، پیش از دستیابی به شناخت صحیح، از شتابزدگی پرهیز کرده و در دام گمراهی های اولیه گرفتار نشود.

به یقین، والاترین جایگاه نزد خداوند از آن کسی است که عمل به حق، هرچند با نقصان و سختی همراه باشد، برای او محبوب تر از باطل است، حتی اگر باطل منافعی را عاید او سازد و موقعیتش را ارتقا بخشد. منشأ سرگردانی شما چیست؟ این فتنه از کجا نشأت گرفته است؟ مهیا شوید تا به سوی مردمانی رهسپار گردید که در تشخیص حق دچار ابهام و در دیدن آن ناپیما شده اند. آنان به ستم ترغیب شده و قادر به تبدیل آن به عدل و انصاف نیستند. از فهم قرآن دور و از مسیر درست منحرف شده اند. شما نه افراد مورد اعتمادی هستید که بتوان به شما تکیه کرد و نه یاران توانمندی هستید که بتوان به شما اتکا نمود. در برافروختن آتش جنگ، چه بد آتش افروزی هستید! اف بر شما! چه بسیار آزار و رنج از شما دیده ام. روزی شما را برای یاری فرا می خوانم و روز دیگر با شما (در مورد کوتاهی هایتان) به نجوا می نشینم. نه در هنگام دعوت، مردان آزاده و صادقی هستید و نه در هنگام نجوا، رازداران قابل اعتمادی می باشید.

امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) فرمود: «أَلَا وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ: و این

پرچم را مگر آن که اهل بصیرت و استقامت به دوش نمی‌کشد»^۱. باید بصیرت پیدا کرد، باید در این راه صبور بود.

«وَ اِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا: اما اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند»^۲؛ اگر با بصیرت حرکت کنیم و صبر کنیم و استقامت به خرج بدهیم اثری نمی‌بخشد؛ اما وقتی که ما هم مثل آنها حرف بزنیم، مثل آنها کار بکنیم، آن وقت نتیجه این می‌شود.

در بحرین مسلمانها را چرا این جور زیر فشار قرار می‌دهند؟ در نیجریه چرا [برای] آن شیخ مصلح تقریبی مؤمن [شیخ ابراهیم الزکراکی] این جور فاجعه‌آفرینی میکنند و حدود هزار نفر از مردم دوروبر او را به قتل می‌رسانند و شش فرزند او را در دو سال به شهادت می‌رسانند؟ چرا دنیای اسلام در مقابل این فجایع ساکت می‌ماند؟ چرا دنیای اسلام بمباران شبانه‌روزی قریب به یک سال در یمن را تحمل میکند؟ نزدیک به یک سال است -ده ماه و اندکی است- که خانه‌ی مردم یمن، بیمارستانشان، مدرسه‌شان، جاده‌شان، افراد بی‌گناهشان، زن و مردشان زیر بمب‌ها هستند؛ چرا؟ این به نفع دنیای اسلام است؟ سوریه یک‌جور، عراق یک‌جور. اهداف آنها اهداف خطرناکی است، اهداف آنها در اتاقهای فکر -به قول خودشان- طراحی میشود؛ ما باید بیدار باشیم»^۳

امام علی علیه السلام در خطبه‌های خود در اینکه چه کسی شایسته خلافت است، و سفارش به تقوا و گریز از دنیا و بصیرت و صبر عوامل پیروزی می‌فرماید:

رسول خدا، امین وحی و آخرین فرستادن الهی، گواه رحمت بی‌پایان و بیم‌دهنده از عذاب الهی بود. ای مردم! آگاه باشید که آن کس که به توانمندی و داناترین در امر حکومت باشد، از هر کس دیگر برای رهبری شایسته‌تر است. اگر در ساحت حکومتی فتنه‌ای برپا شود، بر اوست که به حق بازگردد؛ و اگر در این راستا سرپیچی کند، سزاوار کیفر است. به جانم قسم، امامت جز با حضور و

۱. همان، خطبه ۱۷۳.

۲. آل عمران: ۱۲۰.

۳. خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.

اجماع مردم تحقق نمی‌یابد، و در غیاب آنان، تنها بر دستان حاضرین استوار خواهد بود. بی‌تردید بدانید که من با دو گروه مبارزه می‌کنم: آن که چیزی را ادعا کند که از آن او نیست، و آن که از مسئولیت‌هایش روی می‌گرداند. ای بندگان خدا، شما را به تقوا سفارش می‌کنم؛ زیرا تقوا، بهترین ویژگی است که بندگان حق یکدیگر را به آن توصیه می‌کنند و نزد خدا از بهترین عواقب برخوردار است. میان شما و اهل قبله، درهای جنگ گشوده شده و پرچم حق را تنها اهل بصیرت و استقامت بر دوش خواهند کشید. پس آنچه مأمور به انجام آن هستید، انجام دهید و از آنچه نهی شده‌اید، پرهیز کنید. در کارهایتان تا به‌طور کامل بررسی نکنید، شتاب نکنید؛ چرا که آنچه را شما به جهل انکار می‌کنید، ما توان تغییر آن را داریم. بدانید که دنیایی که شما را به آرزو و طمع می‌کشاند، نه خانه شماسست و نه سرای جاودان شما. دنیا برای شما نخواهد ماند و شما نیز در آن نخواهید ماند. اگر دنیا با ظواهرش شما را فریب دهد، از شرش نیز بترسید. از فریبی که به آن دعوتتان می‌کند، چشم‌پوشی کنید و به خاطر ترساندنش از طمع به آن خودداری نمایید. در این دنیا، برای آخرتی که به آن دعوت شده‌اید، بر یکدیگر پیشی بگیرید و با تمام دل از دنیا روی برگردانید. نباید هیچ‌یک از شما به خاطر چیزی که از دنیا از او گرفته شده، چون کینز ناله کند. با صبر بر طاعت خداوند و محافظت از آنچه در کتابش از شما خواسته، نعمت‌های او را بر خود تمام کنید. بدانید که در صورتی که بنیاد دین خود را حفظ کرده باشید، از دست دادن متاع دنیا، ضرری به شما نخواهد زد. و آگاه باشید که اگر دین را تباہ کنید، آنچه از دنیا نگه داشته‌اید، به شما سودی نخواهد رساند. خداوند دل‌های ما و شما را به حق متوجه کند و شکیبایی را به ما ارزانی دارد. قوت نفس و اطمینان خاطر، که در افراد مختلف متفاوت است، اما قابل تقویت و تربیت می‌باشد. امید به دستیابی به درجات معنوی و انتظار عنایت الهی، از خواسته‌های بشری است. بصیرت و صبر، دو عامل کلیدی پیروزی انقلاب اسلامی و از ارکان حکمرانی علوی به شمار می‌آیند. معصومان و بزرگان دین در نصایح خود، حال مخاطبان را رعایت می‌کنند؛ زیرا انسان‌ها در ویژگی‌های زیستی، روانی و شخصیتی با یکدیگر تفاوت دارند.

د) صبر، حقیقت زهد در اسلام و انقلاب اسلامی

صبر، حقیقت زهد در اسلام و انقلاب اسلامی، یکی دیگر از ارکان اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران از منظر رهبر انقلاب است. رهبر درباره صبر، حقیقت زهد در اسلام می‌گویند:

«امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامَ صَبْرَهُ وَ لَمْ يَسْغَلِ الْحَلَالَ شُكْرَهُ: زاهد در دنیا کسی است که حرام بر صبر او نفوذ نکند و حلال مانع

شکرگزاریش نشود.»^۱

زهد که مورد نظر اسلام بوده و ائمه معصومین (علیهم السلام) به آن توصیه کرده‌اند حقیقتش طبق این روایت دو چیز است:

اول: آن که وسوس شیطانی و تمایلات حیوانی که انسان را به ارتکاب محرمات، تحریک می‌کند بر او غلبه نکند و بتواند در برابر این مسائل، صابر بوده و استقامت کند.

دوم: آن که نعم الهی آن قدر او را سرگرم نکند که از شکر خدا غفلت کرده و انسانی ناسپاس باشد، و غفلت کند که این نعمت‌ها از کیست؟ و زینهار که این غفلت، انسان را به وادی‌های خطرناک، می‌کشاند»^۲.

ائمه اطهار (علیهم السلام) در تربیت افراد، به تفاوت‌های سنی توجه ویژه‌ای نشان می‌دادند. ایشان در تربیت دینی، بین کودکان و بزرگسالان تمایز قائل بودند و انتظارات متفاوتی از هر گروه سنی داشتند. به عنوان مثال، انتظاراتی که از یک شیعه شصت ساله داشتند، با انتظاراتشان از یک نوجوان متفاوت بود. در واقع، آن بزرگواران ظرفیت، توانایی و استعداد افراد را مد نظر قرار می‌دادند و بر اساس آن، برای رشد و سازندگی دینی و معنوی افراد اقدام می‌کردند. به بیان دیگر، انجام تکالیف دینی مانند فعالیت‌های ورزشی است. یک ورزشکار باسابقه در دو و میدانی یا وزنه‌برداری، می‌تواند مسافت بیشتری را طی کند یا وزنه سنگین‌تری را بلند کند، در حالی که یک فرد مبتدی قادر به انجام این کار نیست و باید به تدریج و با صبر و استقامت، این توانایی را در خود ایجاد کند. اعمال و وظایف دینی نیز دقیقاً از همین قاعده پیروی می‌کنند.

توجه ویژه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و همچنین انقلاب اسلامی به صبر، به عنوان جوهره زهد در اسلام، ناشی از ارزش دینی و اخلاقی والای آن است. صبر صرفاً یک فضیلت اخلاقی ثانویه یا تکمیلی نیست، بلکه یک ضرورت اساسی است. پیشرفت، تعالی و تکامل انسان - چه در جنبه‌های مادی و چه در ابعاد معنوی - تنها در سایه صبر امکان‌پذیر است. بدون صبر، دستیابی به سعادت و

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷.

۲. خامنه‌ای، شرح حدیث جلسه سی و چهارم (زهد در اسلام) ۱۳۹۷/۱۰/۲۷.

خوشبختی فردی و اجتماعی میسر نخواهد بود. نه دین استوار می ماند و نه دنیا سامان می یابد، مگر با صبر. بنابراین، صبر هم یک ضرورت دنیوی است و هم یک ضرورت دینی. چه در این دنیا و چه در آخرت، پیروزی و رستگاری تنها در پرتو صبر حاصل می شود.

هـ) آینده نگری همراه با صبر انقلاب اسلامی

آینده نگری همراه با صبر انقلاب اسلامی، یکی دیگر از ارکان اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران از منظر رهبر انقلاب است. از جمله سفارش های حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به افراد جامعه مخصوصاً به نسل جوان این است که اولاً همواره صبور و شکیبا باشند و در عین شکیبایی آینده نگری را در سرلوحه برنامه های خود قرار دهند چه اگر صبر نکنند، و استقامت و پایداری را در راه رسیدن به اهداف خود از دست دهند هرگز به جایی نمی رسند ببیند چقدر زیبا مولای متقیان علیه السلام عمل و آینده نگری و استقامت و صبر را با هم قرین هم قرار داده^۱ و می فرماید:

«العمل العمل، ثمَّ النِّهَايَةُ النِّهَايَةُ وَ الِاسْتِقَامَةُ الِاسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَ الِوَرَعُ الِوَرَعُ إِنَّ لَكُمْ نِهَائَةً فَاتَّبِعُوا الِى نِهَائَتِكُمْ: عمل صالح، عمل صالح، سپس آینده نگری آینده نگری! و استقامت، استقامت، آنگاه بردباری، بردباری، و پرهیزکاری، پرهیزکاری! برای هر کدام از شما عاقبت و پایان مهلتی تعیین شده، پس (سعی کنید که) با نیکوکاری بدانجا برسید»^۲.

رهبر انقلاب در این زمینه می فرماید: « صبر و تقوا موجب میشود که همین دشمن عنود، این کپسول زشت کینه و بغضاء، با همه ی توانایی هایی که برای خودش فراهم کرده، هیچ غلطی در مقابل شما نتواند بکند؛ «لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا؛ یعنی هیچ زبانی به شما نمیتواند برساند»^۳؛ به شرط چه؟ به شرط صبر و تقوا. من امروز این را میخواهم در این میدان پرمعنا و پرمغز، به شما جوانان عزیز - که

۱. صدیق عربانی گیلانی، تربیت از نگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص ۷۵.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳. آل عمران: ۱۲۰.

حقیقتاً شما نور چشم این ملت هستید. این درس، تنها برای شما نیست؛ بلکه برای تمام ملت، همه سپاه و تمامی نیروهای مسلح و همه اعضای جامعه، به ویژه مسئولان و مدیران نظام اسلامی است. موضوع این درس «صبر و تقوا» است. صبر به چه معناست؟ یعنی باقی ماندن در میدان و عدم ترک آن. برخی افراد از میدان کناره‌گیری می‌کنند و برخی دیگر، اگرچه در میدان هستند، به تدریج از آن فاصله می‌گیرند؛ این رفتار خلاف مفهوم واقعی صبر است. صبر به معنای ایستادگی و استقامت در میدان و چشم دوختن به اهداف دوردست و افق‌های آینده است. گاهی انسان از یک موفقیت فوری خرسند می‌شود و گاهی به خود می‌بالد، اما خطرناک‌ترین حالت این است که قانع شود؛ این مایه نگرانی است و باعث می‌شود انسان در میدان باقی نماند. نه، باید به اهداف بلندمدت توجه کنید، به قله‌ها نگاه کنید. بیندیشید که پیام واقعی انقلاب و نظام اسلامی چیست و چگونه می‌خواهد ملت ایران و امت اسلامی و در نهایت تمام بشریت را به سوی این اهداف هدایت کند. حرکت انقلاب اسلامی نیازمند چنین صبوری است. در دوران صدر اسلام و به ویژه در سال‌های اول ظهور اسلام، با وجود سختی‌ها، صبر و ایستادگی کردند که نتیجه این تلاش‌ها اوج تمدن بشری در قرن سوم و چهارم هجری مربوط به ملت مسلمان و کشورهای اسلامی بود. واقعیت این است که اگر صبر کنیم، افق‌های دور در اختیار ما خواهد بود. اگر شما امروز ایستادگی کنید، نسل‌های آینده به آن قله‌ها خواهند رسید. آنها به قله‌ها دست خواهند یافت، اما این دستاورد به تلاش شما بستگی دارد. البته امیدوارم با توفیق الهی، شما جوانان نسل امروز نیز روزی این موفقیت‌ها را مشاهده کنید. انقلاب، ریشه‌دار و آینده‌دار است و نیازمند استمرار است. این است معنای آیه شریفه. اگر شما، جوانان عزیز و مسئولان مسائل نظامی، امنیتی، اقتصادی و سایرین، و همچنین مردم و عموم ملت ایران، این صبر و تقوا را به کار بگیرید، یقیناً به نتایج مطلوبی خواهید رسید. «**لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا**: نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند.»^۱ هیچ ضربه‌ای، هیچ آزاری نمی‌تواند به شما برساند؛ و به توفیق الهی همین هم خواهد بود»^۲.

۱. آل عمران: ۱۲۰.

۲. خامنه‌ای، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)،

۱۳۹۷/۰۴/۰۹.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین انقلاب اسلامی به صراحت بر این نکته تأکید می‌ورزد که صبری مورد ستایش خداوند است که انگیزه آن فقط جلب رضایت و خشنودی خداوند متعال باشد نه اینکه شخص بخواهد به وسیله آن کسب شهرت کند یا با صبر و تحمل سختیها و شکنجه‌ها در نظر دیگران به صورت قهرمان در آید.

صبر در مصائب، به عنوان یکی از ارکان اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران، در نگاه رهبر انقلاب حائز اهمیت ویژه‌ای است. مولای پرهیزگاران، امام متقین علی علیه السلام، در تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی ما، چون پدری دلسوز و مهربان، رهنمودهای گرانبهایی را به فرزندان خود - یعنی امت اسلامی، طبق تعبیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «من و علی دو پدر این امت هستیم»، نثار کرده‌اند تا هیچ‌یک از ما از مسیر حقیقی حیات دینی خود منحرف نشویم. در یکی از حکمت‌های نهج‌البلاغه، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الصبر علی قدر المصیبه، و من ضرب یده علی فخذہ عنہ مصیبه حبط عمله». این کلام بدین معناست که صبر باید به اندازه مصیبت باشد؛ یعنی خداوند در برابر هر مصیبتی که بر انسان نازل می‌آید، به همان اندازه صبر و استقامت را نیز به او ارزانی می‌دارد. وگرنه انسان موجودی ضعیف است و به سادگی ممکن است با یک حادثه و مصیبت دل‌باخته و از پا درآید. صبر در مصائب چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید، چند گونه است. برخی مصائب شخصی‌اند و برخی دیگر عمومی. آنان که مسئولیت‌های کشور را بر عهده دارند، با توطئه‌ها، تهمت‌ها، بدگویی‌ها و اهانت‌های مکرر و صریح مواجه‌اند؛ در دنیای پیچیده ارتباطات بین‌المللی، حجم حرف‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران - به خاطر اسلام، انقلاب و آرمان‌ها - به طرز چشمگیری افزایش یافته است. در این عرصه، برخی سران و مسئولان جهانی، گاه به راحتی از اهداف و خطوط مشخصی که در ذهن خود داشتند، فاصله می‌گیرند و این به خاطر ملاحظاتی بین‌المللی و اهانت‌هاست. تحمل این فشارها برای آنان دشوار است؛ بنابراین، این هم نوعی صبر در مصیبت به شمار می‌رود. از این‌رو، صبر با همه اهمیتی که دارد، باید در سه عرصه مورد توجه قرار گیرد. اول، در مسائل شخصی که هر یک از ما باید به آن به‌ویژه توجه کنیم. دوم، در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و عمومی که مختص جامعه و مردم است. در نهایت، وظیفه همه ما، مسئولان دولتی، قضائی و نمایندگان مجلس، این است که در هر دو سطح و در همه این سه عرصه، صبر را مورد توجه قرار دهیم و از آن پیشه‌ای بیاموزیم. روایات مربوط به صبر در سه مقام مورد تأمل قرار گرفته‌اند: شکیبایی در برابر بلا و ناگواری‌ها، بردباری در راه اطاعت و فرمانبری از

خداوند و صبر در مقابله با گناهان و سرکشی‌ها. این آموزه‌ها ما را به سوی درک عمیق‌تری از مفهوم صبر در زندگی رهنمون می‌سازد و ما را به پایداری و استقامت در برابر چالش‌ها و سختی‌ها قادر می‌سازد. صبر در مصائب توسط انقلاب اسلامی، یکی دیگر از ارکان اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران از منظر رهبر انقلاب است. مولای پرهیزگاران و امام متقیان علی علیه السلام در تمام زمینه‌های زندگی و بخش‌های حیات فردی و اجتماعی ما همچون پدری دلسوز و مهربان به فرزنداناش (یعنی امت اسلامی به تعبیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «انا و علی»^۱ ابوا هذه الامه من و علی دو پدر این امت هستیم) رهنمودهای لازم را داده تا هیچکدام از مسیر حقیقی حیات دینی خود منحرف نشویم.^۱

آن حضرت در یکی از حکمت‌های نهج البلاغه می‌فرماید: «الصبر علی قدر المصیبه، و من ضرب یده علی فخذة عنه مصیبه حبط عمله: و هر کس در مصیبت بی‌تابی کند و به نشانه افسوس و اندوه بران خود بزند اجر و پاداشش ضایع شود»^۲.

صبر، به اندازه مصیبت فرود آید. یعنی آن خدایی که مصیبتی به انسان وارد کند به میزان آن، صبر و استقامت را نیز به او عطا فرماید و گرنه انسان، موجودی است ضعیف، ای بسا با یک حادثه و مصیبت دل از دست داده و خود را از پای درآورد.

صبر در مصائب، در فرمایشات مقام معظم رهبری چنین بیان شده است: «صبر بر مصیبت چند گونه است. مصائب گاهی مصائب شخصی انسان است، گاهی مصائب عمومی است. الان فرض بفرمائید مسئولین کشور با توطئه‌های گوناگون، با تهمت‌ها، با بدگوئی‌ها، با اهانت‌ها و افتراهای صریح مواجهند؛ می‌بینید دیگر توی این مجموعه‌ی عظیم ارتباطات بین‌المللی و این خبرها و رسانه‌ها و نوشتارها و گفتارها، چقدر حرف زده میشود.

علیه اسلام جداگانه؛ یعنی علیه جمهوری اسلامی به خاطر اسلام، علیه جمهوری اسلامی به خاطر انقلاب؛ علیه جمهوری اسلامی به خاطر تک‌تک آرمانهای نامطلوب از نظر استکبار؛ و علیه جمهوری اسلامی به خاطر بعضی از اشخاصی که در جمهوری اسلامی هستند که آنها

۱. صدیق عربانی گیلانی، تربیت از نگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص ۸۲.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۴۴.

علی(ع) و ادامه راه آن حضرت کارگزاران انقلاب اسلامی را نمونه عینی و مصداق کامل آنها دانست.

ز) پیروزی نتیجه صبوری انقلاب اسلامی

پیروزی نتیجه صبوری انقلاب اسلامی، یکی دیگر از ارکان اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران از منظر رهبر انقلاب است. اهل بیت علیهم السلام با صبر و تحمل وصف نشدنی و بدون هرگونه رفتار تند و خشن با ملایمت با مخاطبین خویش ارتباط برقرار می کردند و پیروزی را نتیجه صبوری می دانستند.

مقام معظم رهبری در زمینه پیروزی نتیجه صبوری می فرماید: «اگر صبر را - که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقبگرد نکردن است - وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمیشود. صبر که تمام نشد، معنایش این است که این سیر انسان به سوی همه‌ی قله‌ها هیچ وقفه‌ای پیدا نخواهد کرد. این قله‌ها که میگوئیم، قله‌های دنیا و آخرت، هر دو است: قله‌ی علم، قله‌ی ثروت، قله‌ی اقتدار سیاسی، قله‌ی معنویت، قله‌ی تهذیب اخلاق، قله‌ی عروج به سمت عرش عالی انسانیت. هیچ کدام از اینها دیگر توقف پیدا نخواهد کرد؛ چون وقفه‌ها در حرکت ما ناشی از بی‌صبری است. دو لشکر مادی وقتی در مقابل هم صف‌آرایی میکنند، آن کسی که زودتر صبرش تمام بشود، شکست می‌خورد؛ آن کسی که دیرتر صبر و مقاومتش تمام بشود، پیروز خواهد شد؛ چون با لحظه‌ای مواجه خواهد شد که طرف مقابل صبر خودش را از دست داده. این مثال خیلی ظاهر و بارز عینی‌اش است؛ در همه‌ی میدانها همین جور است»^۱.

همچنین امام علی علیه السلام فرمود:

«لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الطَّفَرَ وَ أَنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ: هیچگاه انسان صبور، پیروزی را از دست نمی دهد هرچند که زمان آن طولانی شود»^۲.

بنابراین موضوع تعلیم و آموزش صبر از جمله مسائلی است که باید به صورت تدریجی همراه با

۱. خامنه‌ای، بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳.

استمرار و پشتکار و صبر از سوی مریبان جامعه دنبال شود. تا موجب پیروزی و موفقیت جوانان و تمامی افراد جامعه در همه عرصه های علمی، اجتماعی، فرهنگی و... شود.

طبق اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران علاوه بر زندگی مادی، در زندگی معنوی نیز صبر وجود دارد. اگر انسان در برابر نفس سرکش و هوا و هوس ها و زرق و برق دنیا و جاذبه های گناه ایستادگی نکند و در طریق معرفه الله و اطاعت فرمان او با مشکلات ننجنگد، هرگز به جایی نمی رسد.

نتایج

۱. در میان انبوه ویژگی های بارز که در متون دینی برای مومنین شمرده می شود، صفت شکیبایی و صابری جایگاه ویژه ای را به خویش اختصاص داده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها در بیانات خود به نقل از امام علی علیه السلام، بر عنصر صبر تأکید کرده اند.
۲. امام علی علیه السلام طبق فرمایشات خود و بیانات رهبر انقلاب، مدیر و مسئول مشاغل کلیدی باید در برابر فشار کار و دشواری ها و فراز و نشیب های شغلی و تلخی ها و سختی های آن چون کوه استوار و با استقامت و دارای عزم و اراده پولادین باشد.
۳. امام علی علیه السلام طبق فرمایشات خود و بیانات رهبر انقلاب طی ۲۵ سال و در طول خلافت در همه عرصه ها اعم از سیاسی یا فرهنگی و... صبر پیشه می کرد.
۴. امام علی علیه السلام و رهبر سفارش به تقوا و گریز از دنیا و بصیرت و صبر را عوامل پیروزی آدمی و انقلاب اسلامی می دانند.
۵. امام علی علیه السلام و رهبر درباره صبر، به عنوان حقیقت زهد در اسلام و انقلاب اسلامی سخن گفته اند.
۶. از جمله سفارش های حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و رهبر به افراد جامعه مخصوصاً به نسل جوان این است که اولاً همواره صبور و شکیبا باشند و در عین شکیبایی آینده نگری را در سرلوحه برنامه های خود قرار دهند چه اگر صبر نکنند، و استقامت و پایداری را در راه رسیدن به اهداف خود از دست دهند هرگز به جایی نمی رسند.
۷. روایات امام علی علیه السلام و بیانات رهبر صبر را در سه مقام مورد ملاحظه قرار داده اند: شکیبایی هنگام بلا و ناگواریها؛ بردباری در راه فرمان بری و اطاعت از خداوند و صبر در برابر گناهان

و سرکشی‌ها.

۱۸ امام علی علیه السلام و رهبر با صبر و تحمل وصف نشدنی و بدون هرگونه رفتار تند و خشن با ملائمت با مخاطبین خویش ارتباط برقرار می‌کردند و پیروزی را نتیجه صبوری می‌دانستند.

صبر در مصائب، به عنوان یکی از ارکان بنیادین اندیشه حکمرانی علوی و انقلاب اسلامی ایران، در نظر رهبر انقلاب اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. مولای پرهیزگاران و امام متقین، علی علیه السلام، در تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی ما، چون پدری مهربان و دلسوز، رهنمودهای ارزنده‌ای را به فرزندان خود - یعنی امت اسلامی، به روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «من و علی دو پدر این امت هستیم» - بخشیده‌اند تا هیچ‌یک از ما از مسیر حقیقت حیات دینی خود منحرف نشویم. در یکی از حکمت‌های گرانسنگ نهج‌البلاغه، آن حضرت فرموده‌اند: «الصبر علی قدر المصیبه، و من ضرب یده علی فخذنه عنه مصیبه حبط عمله». این کلام به ما می‌آموزد که صبر باید متناسب با مصیبت باشد؛ بدین معنا که خداوند در مقابل هر مصیبتی که به انسان نازل می‌آید، به همان مقدار نیز استقامت و شکیبایی را به او عطا می‌کند. وگرنه، انسان موجودی است ضعیف که به سادگی و با کوچک‌ترین حادثه‌ای ممکن است دل‌باخته و از پای درآید. چنانکه مقام معظم رهبری اشاره می‌کنند، صبر در مصائب به چند شکل جلوه‌گر می‌شود. برخی از این مصائب فردی و برخی دیگر عمومی هستند. مسئولان کشور با توطئه‌ها، تهمت‌ها، بدگویی‌ها و اهانت‌های مکرر و صریح مواجه‌اند؛ در این دنیای پیچیده ارتباطات بین‌المللی، حجم انتقادات و سخنان علیه جمهوری اسلامی ایران - به خاطر اسلام، انقلاب و آرمان‌ها - به طرز چشمگیری افزایش یافته است. در این زمینه، برخی از سران و مسئولان جهانی گاه از اهداف و خطوط روشن و مشخص خود فاصله می‌گیرند، و این تنها به دلیل ملاحظات بین‌المللی و توهین‌هاست. تحمل این فشارها برای آنان دشوار است و این خود نوعی صبر در مصیبت محسوب می‌شود. از این رو، صبر با تمام اهمیتش باید در سه حوزه مورد توجه قرار گیرد. نخست، در مسائل شخصی که هر یک از ما باید به آن به‌ویژه اهمیت دهیم. دوم، در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و عمومی که مختص جامعه و مردم است. در نهایت، وظیفه همه ما، به ویژه مسئولان دولتی، قضائی و نمایندگان مجلس، این است که در هر دو سطح و در تمامی این سه عرصه، صبر را مدنظر قرار داده و از آن درس بیاموزیم. روایات مرتبط با صبر در سه مقام مهم مورد توجه قرار گرفته‌اند: شکیبایی در برابر مصائب و ناگواری‌ها، بردباری در راه اطاعت از دستورات الهی و صبر در مقابل گناهان و سرکشی‌ها. این آموزه‌ها ما را به درک عمیق‌تری از مفهوم صبر در زندگی

رهنمون می‌سازد و ما را به پایداری و استقامت در برابر چالش‌ها و سختی‌ها قادر می‌سازد.

منابع:

قرآن مجید.

امام خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
آفاجانی قناد، محمدرضا، تساهل و تسامح از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰.

باقری، محمد حسین، «صبر و شکیبایی از دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام)»، پایگاه پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۳۹۴/۰۴/۰۴.

بخشی، علی، مقاله «مدارا و قاطعیت در سیره معصومان (علیهم‌السلام)»، قم: پایگاه پژوهشکده باقرالعلوم، اسفند ۱۳۹۳.

خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷.

خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰.

خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.

خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.

خامنه‌ای، علی، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۲/۰۴/۰۹.

خامنه‌ای، علی، پایگاه اطلاع‌رسانی WWW.KHAMENEI.IR

خامنه‌ای، علی، شرح حدیث جلسه سی و چهارم (زهد در اسلام)، ۱۳۸۷/۱۰/۲۷.

خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

صدیق عربانی گیلانی، یوسف، تربیت از نگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، قم: انتشارات جام جوان، ۱۳۹۰.

قوچانی، محمود، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، شرح عهدنامه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به مالک اشتر، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۴.

- مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- مصطفوی، جواد، «معرفی نهج البلاغه»، مجله مشکات، شماره ۴۰۱، پاییز ۱۳۶۱ش.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ش.
- همرنگ هزان، مسعود، «بررسی صبر از منظر آیات و روایات و دیدگاه های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مدظله العالی»، پایگاه هزان، ۱۳۹۴/۰۶/۲۶.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ش.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۸م.
- الآمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ق.
- بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
- تهرانی، آغابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، محقق علی نقی منزوی، بیروت: دار الاضواء، ۱۳۹۸ق.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مصر: دفتر نشرالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، تفسیرمجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۸۰ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوارلدرراخبارالائمة الاطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ.ق.